

## فرصت سوزی!

شهباز نخعی

[snak1@live.ca](mailto:snak1@live.ca)

فرانسویان درباره سیاست خارجی امریکا به طنز و طعنه می گویند که امریکاییان سیاست خارجی خود را به شیوه کابوی (گاوچران) ها اداره می کنند. این نوشتار جای داوری درباره درستی یا نادرستی این گفته فرانسویان نیست. اما، می توان گوشه چشمی به این زبانزد فارسی داشت که می گوید: "تا نباشد چیزی که مردم نگویند چیزها"!

مصادق "چیزک" را این هفته بانو هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه کنونی و بانوی اول پیشین ایالات متحده امریکا به دست داد. خانم کلینتون که در سفر به منطقه خاورمیانه در قطر به سر می برد، روز یکشنبه در سخنرانی خود در دانشگاه امریکایی کارنگی ملون از کشف هوشمندانه جدید خود پرده برداشت و گفت: «دولت امریکا معتقد است که ایران در حال تبدیل شدن به یک دیکتاتوری نظامی است». خانم کلینتون در توضیح این کشف هوشمندانه – اگر نه نبوغ آمیز – به گفته خود افزود: «قدرت سپاه پاسداران چنان افزایش یافته که این نهاد عملاً "جایگزین دولت شده است»!

رییس دیپلوماسی بزرگترین – اگر نه تنها – ابرقدرت دنیا در ادامه سخنان خود از وجود چنین وضعیتی ابراز نگرانی نیز کرد: «ما شاهد دخالت سپاه در همه امور ایران از اختیارات حکومتی، رهبری، رییس جمهوری و حتی مجلس هستیم که این اتفاق می تواند تهدیدی مستقیم برای همه باشد»!

ابراز نگرانی بانو کلینتون از "تهدید مستقیم" همه ارکان نظام ولایت مطلقه فقیه از جمله "اختیارات حکومتی، رهبری، رییس جمهوری و حتی مجلس" و این که تهدید مستقیم "می تواند برای همه باشد" وقتی قابل درک می شود که در نظر بگیریم این نظام سی و یک سال پیش در کنفرانس گوادلوپ به زعامت پیشکسوت هم حزبی خانم کلینتون یعنی عالیجناب جیمی کارتر بنیان گذارده شد و صدالبته جای نگرانی است که اکنون مورد "تهدید مستقیم" قرار گیرد!

سخنان هوشمندانه – یا نبوغ آمیز – وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا، از دو چشم انداز درخور نگرش است: چشم انداز نخست ذکاوت و سرعت انتقال خانم کلینتون در کشف شگفت انگیزش است. در مورد انگلیسی ها شنیده ایم که آنها سیاست خارجی خود را برای پانزده، بیست یا سی سال آینده طراحی و اجرا می کنند. در مورد ایالات متحده امریکا ظاهراً این روند معکوس است و مجریان سیاست خارجی پانزده، بیست یا سی سال بعد پی می برند که چه اتفاقی افتاده است!

سه روز پیش از سخنرانی خانم کلینتون در قطر، سناتور جمهوری خواه جان مک کین سخنانی گفت که با چشم پوشی از تقدّم و تأخر سه روزه، می توان آنرا پاسخی به گفته های خانم کلینتون تلقی کرد. سناتور مک کین روز پنجشنبه ۱۱ فوریه گفت: «۳۱ سال است که قابلیت های اقتصادی ایران به هدر رفته و منابع ملّتی بزرگ و با افتخار توسط حاکمانی فاسد غارت شده. ۳۱ سال است که این رژیم منافع خود و گروه های تروریستی خارجی را بر نیازهای مردمش ترجیح داده. ۳۱ سال است که در ایران بی عدالتی، محدودیت آزادی و پایمال شدن حیثیت و احترام مردم جریان دارد».

کشف هوشمندانه خانم کلینتون زمانی از طریق رسانه ها به آگاهی مردم می رسد که ده-دوازده سال پیش از آن، زمانی که او بانوی اول ایالات متحده امریکا بود و همسر و الامقامش در راهرو سازمان ملل متحد، جلوی توالیت کشیک می داد تا سیدمحمد خاتمی از آن خارج شود و او دستش را بفشارد، در ایران سپاه پاسداران سرگرم چنگ اندازی به منابع قدرت اقتصادی بود و فرمانده وقت سپاه

پاسداران، سردار سرلشگر یحیی رحیم صفوی آشکارا مردم را به گردن زدن و زبان بریدن تهدید می کرد!

البته، پیشینه چنگ اندازی سپاه پاسداران به منابع ثروت و قدرت اقتصادی کشور به سالها پیش از آن برمی گردد. این امر از زمان پرزیدنت "پراگماتیست" و محبوب دستگاه سیاست خارجی ایالات متحده امریکا یعنی علی اکبر هاشمی رفسنجانی آغاز شد. رفسنجانی بود که فرماندهان بازنده چنگ و سهم طلب سپاه پاسداران را به نشستن بر سر سفره غارت و چپاول و برداشتن لقمه های چرب و نرم دعوت کرد. رفسنجانی بود که سالها بعد طرح خائنانه "نقض و لغو اصل ۴۴ قانون اساسی" را در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب و به سیدعلی خامنه ای ارائه کرد و زمینه را برای بلعیدن نهادهای بزرگ صنعتی و اقتصادی دولتی توسط سپاه پاسداران - که چنگ اندازی سپاه بر شرکت مخابرات یک نمونه آن است - آماده ساخت.

انحصار واردات میلیاردها دلار کالای قاچاق به کشور از طریق اسکله های خارج از کنترل گمرکات دولتی، دست اندازی بر بزرگترین قراردادهای پیمانکاری در زمینه های مختلف بدون رعایت مقررات مناقصه و رقابت سالم و... همگی نه در یک روز و یک ماه و یک سال، بلکه به تدریج و در مدتی حدود بیست سال انجام شده اند و کشف شگفت انگیز خانم کلینتون در مورد "قدرت سپاه پاسداران" دستکم یک تأخیر زمانی ده، بیست ساله دارد!

چشم انداز دوّم، رویکرد جناحی دستگاه سیاست خارجی ایالات متحده امریکا با رویدادهای ایران و نظام غاصب حاکم بر آن است. نمونه بارزی از این رویکرد جناحی را در عملکرد "صدای امریکا" - که بودجه آن توسط وزارت امور خارجه امریکا تأمین و پرداخت می شود - بخوبی می توان دید. پشتیبانی تقریباً بی قید و شرط "صدای امریکا" از جناح به اصطلاح "اصلاح طلب" حکومتی و اشغال تقریباً عمومی وقت و فضای برنامه ها توسط کسانی از قماش علیرضا نوریزاده، محسن سازگارا و... کاملاً نشانگر آن است که دستگاه سیاست خارجی ایالات متحده امریکا نه دغدغه پایمال شدن حقوق بشر در ایران را دارد و نه به فکر آزادی و دموکراسی و همگامی با خواست اکثریت مردم ایران در دستیابی به یک حکومت سکولار و مردم سالار است.

در این مورد اخیر یعنی خواست اکثریت مردم ایران نیز یا دستگاه سیاست خارجی امریکا از همان هوشمندی و درایت یادشده در بالا بهره - یا در واقع رنج - می برد و یا اصل موضوع را می داند و خود را به ندانستن می زند!

مردم ایران در پی یک بغض و کینه طولانی ناشی از عملکرد امریکا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و استبداد آریامهری، ۹ سال پیش پس از فاجعه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در نیویورک، تنها ملتی در خاورمیانه بودند که به برگزاری مراسمی در سوگواری و همدردی با قربانیان و بازماندگان آن فاجعه تروریستی پرداختند و با این کار بر روند کینه توزی و دشمنی نقطه پایان نهادند.

شوربختانه، ایالات متحده امریکا نه تنها به این حسن نیت و احساسات دوستانه پاسخ درخور نداد، که کار را به جایی رساند که مردم ایران در تظاهراتشان در تابستان گذشته زبان به اعتراض گشودند و شعار: "اوباما، اوباما، یاباونا یاباما" سردادند!

عملکرد سیاست خارجی ایالات متحده امریکا در برابر مردم ایران در سالهای گذشته چیزی جز فرصت سوزی نبوده است. آیا خانم کلینتون هم قصد دارد به این فرصت سوزی ادامه دهد؟!